

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



چهل حدیث از امام سجاد علیه السلام

چهل حدیث از امام سجاد علیه السلام

ترجمه و تدوین: اداره امور فرهنگی معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شاعر: علی اصغر ذلیلی صالح.

مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.

۴۸ ص. - (انتشارات آستان قدس رضوی، ۸۷۲)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۰۹۸۸-۲

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. علی بن الحسین علیه السلام امام چهارم، ۳۸-۹۵ ق. - - احادیث.

۲. اربعینات - - قرن ۱۴.

۳. احادیث شیعه - - قرن ۱۴.

۴. شعر مذهبی - - قرن ۱۴.

الف. آستان قدس رضوی، اداره امور فرهنگی معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

د. (انتشارات آستان قدس رضوی).

ه. عنوان.

۹/ج ۴۷/۲ BP

۲۹۷/۹۵۷

کتابخانه ملی ایران ۱۵۸۵۸-۸۶ م



چهل حدیث از امام سجاد علیه السلام (زینت عارفان)

ترجمه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

شاعر: علی اصغر ذلیلی صالح

مدیر هنری و طراح گرافیک: رضا باباجانی

صفحه آرای: محمود بازدار

نوبت چاپ: چهارم-۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰

ناشر: انتشارات قدس رضوی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۰۹۸۸-۲

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

ضلع غربی، اداره امور فرهنگی تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.



- ۱ آغاز و انجام کار
- ۲ بردباری
- ۳ آسایش دو گیتی
- ۴ سخن نیکو
- ۵ نگهداری زبان
- ۶ سیراب کردن مؤمن
- ۷ خویشتنداری
- ۸ کریم و فرومایه
- ۹ آرامش وحی
- ۱۰ ثروت صبحگاه
- ۱۱ راهنمای حکیم
- ۱۲ دلداری خداوند
- ۱۳ گوهر یقین
- ۱۴ قدرت و قرب
- ۱۵ اطعام
- ۱۶ آزاد از تعلّق
- ۱۷ عذر خواهی
- ۱۸ همدست درستی
- ۱۹ عزّت نفس
- ۲۰ دروغ



دروازه‌ی بی نیازی	۲۱
همنشینی با فاسق	۲۲
همنشینی با بخیل	۲۳
همنشینی با دروغگو	۲۴
همنشینی با دانشمندان	۲۵
گدای بخیل	۲۶
جوانمردی	۲۷
قناعت	۲۸
مکر شیطان	۲۹
عذر پذیری	۳۰
سرای فانی و جاودانی	۳۱
ترک زشتی	۳۲
عیب دیگران	۳۳
اطاعت کردگار	۳۴
دل محزون	۳۵
درخواست از خداوند	۳۶
اندیشه‌ی خلقت	۳۷
عبادت نگاه	۳۸
منافق	۳۹
دعا	۴۰

به نام خداوند مهرآفرین

پیامبر اعظم ﷺ و خاندان پاکش علیهم السلام فرمانروایان اقالیم سخن اند، سخن در کام آسمانی آنان نرم تر از آب، در جان جویباران است. جوشش سخن از لبان گوهربار آنان، چونان جوشش نور از چشمه‌ی خورشید است. آنان بر خلاف دیگران، دانش را از منابع بشری و از لابلای کتاب‌ها در نیافته‌اند، بلکه شاهد علم را دست شاهد علیم علام، در کامشان ریخته است. علم آنان از مقوله‌ی علم حضوری است، نه از جنس علم حصولی. چیزی نزد آنان ناپیدا نیست تا با کاوش و جست‌وجو پیدایش کنند.

در زیارت جامعه‌ی کبیره در وصف اهل بیت علیهم السلام به توصیفاتی برمی‌خوریم که در خور فهم ما، عظمت اندیشه و دانش آنان را باز می‌نمایاند. توصیفاتی چونان: گنجینه داران علم، گنجوران دانش، نور و برهان الهی، نگاه داران راز الهی، خزانه داران علم خداوندی، ودیعه داران حکمت ربانی، زبان‌های وحی الهی، میراث داران نبوت و... از جمله توصیفاتی است که از آن بزرگان بی‌نظیر، ارائه شده است. تردیدی نیست که برای دست‌یابی به سرچشمه‌ی دانش و معدن حکمت، باید رو به درگاه آن بزرگان نهاد و گوهر علم و حکمت را در نزد آنان جست. و از این منظر، بازخوانی سخنان گهربار امامان هدایت، ضرورتی فرا زمانی است که در هر روزگار و زمانی می‌تواند فرزندان آن روزگاران را به اندیشه‌ی درست و مسیر حق، راهنمون سازد. و شاید به همین دلیل است که در روایات، تأکید فراوانی بر حفظ احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت شده است و حفظ

و انتقال احادیث، ارجح و اهمیتی فراوان یافته و پاداش بهشت برای آن مقرر گردیده است.

روشن است که انتقال و حفظ احادیث معصومین علیهم السلام به معنای حفظ و اشاعه‌ی گوهرهای بی بدیلی از دانش و حکمت است که از معدن الهی آن استخراج شده و همواره همچون چراغی روشن، راه فرزندان آدم را نورافشان می‌کند.

مخاطبان ارجمند می‌دانند که حفظ چهل حدیث، مورد تأکید پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و توجه ویژه‌ی عالمان دین بوده است، به گونه‌ای که کتاب‌های اربعین حدیث، مجلدات قابل توجهی از آثار عالمان بزرگ دینی را به خود اختصاص داده و امام راحل قدس سره نیز با نگاشتن کتاب اربعین به این مهم اهتمام ورزیده اند.

اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی با توجه به این مهم برآن شد که اربعینی از سخنان امام سجاد علیه السلام را در مجموعه‌ای کوچک، به پیشگاه دوستداران و پیروان آن حضرت، تقدیم کند تا مؤمنان از خورشید پر فروغ اندیشه‌ی آن حضرت، خوشه‌های نور بچینند و از فروغ عالم آرای آن، بهره ور گردند. و در ذیل احادیث، اشعاری با نگاه به سخنان آن حضرت آورده شده است. امید است که دوستداران آن حضرت ما را از پیشنهادها و انتقادهای خود بی بهره نگذارند.

آستان قدس

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

اداره امور فرهنگی



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

خَيْرُ مَفَاتِيحِ الْأُمُورِ الصَّدْقُ وَخَيْرُ خَوَاتِيمِهَا الْوَفَاءُ

بهترین سرآغاز کارها راستگویی و بهترین خاتمه‌ی آن وفاداری است.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۴۱)

کمرنگ مکن تالوؤ ایمان را
از یاد میر کلام نورافشان را
آذین بده با راستی آغاز عمل
با رنگ وفا قشنگ کن پایان را



قَالَ لَسَجَدَ لِلَّهِ

إِنَّهُ لِيُعْجِبُنِي الرَّجُلُ أَنْ يُدْرِكَهُ حِلْمُهُ
عِنْدَ غَضَبِهِ

هر آینه مرا خوش آید مردی که هنگام خشم بردباری کند.

(الکافی ۳/۱۱۲/۲)

تا کی به خروش و خشم کاری کردن؟!
مانند سپند بی قراری کردن؟!
تصویر قشنگی ست در آینه‌ی دین
در لحظه‌ی خشم، بردباری کردن



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَفُّ اللَّذِي مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ، وَفِيهِ رَاحَةٌ
الْبَدَنِ عَاجِلًا وَاجِلًا

آزار نرساندن نشانه‌ی کمال خرد و مایه‌ی آسایش دو گیتی است.

(میزان الحکمه / ۱ / ۱۱۹)

بشنو ز سحر سرود بیداری را
از دست مده روشنی جاری را
خواهی که به آسایش جاوید رسی
کن خشک، نهال دیگر آزاری را



قَالَ لَسَجَدَ لِلَّهِ

لِكُلِّ شَيْءٍ فَاكِهَةٌ وَفَاكِهَةٌ السَّمْعِ الْكَلَامِ الْحَسَنُ

برای هر چیز بهره‌ای است و بهره‌ی گوش، سخن نیکوست.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۶۰)

چون سبزه و گل، بهار را باور کن
سرمایه‌ی روزگار را باور کن
بی بهره نبوده چیزی، ای گوش بکوش
شیرینی حرف یار را باور کن



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِحْفَظْ عَالِيكَ لِسَانَكَ، تَمْلِكْ بِهِ إِخْوَانَكَ

زبان‌ت را نگهدار تا برادرانت را صاحب شوی .

(بحار الانوار / ۷۱ / ۱۵۵)

بی یاری اندیشه سخن ساز نکن
بیهوده نگو، دلخوری آغاز نکن
تا گم نکنی جماعت یاران را
ای یار! زبان به ناروا باز نکن



قُلْ لَسَجَدَ لِلَّهِ

مَنْ سَقَىٰ مُؤْمِنًا مِنْ ظَمًا سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ

هر که مومن تشنه‌ای را آب دهد خداوند او را از شراب خالص
وصاف بهشتی سیراب گرداند.

(بحار الأنوار / ۷۱ / ۳۸۴)

می خواهی اگر روشنی آب شوی
یا در شب تیره مثل مهتاب شوی
آبی به لب تشنه‌ی مؤمن برسان
تا از لب جام دوست سیراب شوی



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْخَيْرُ كُلُّهُ صِيَانَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ

تمام نیکی در خویشنداری انسان است.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۳۶)

مشتاقی اگر شمیم مینوی را
خاموش نکن چراغ حق جویی را
در سایه‌ی حلم و خویشنداری و صبر
آرام بجوی جمع نیکویی را



قُلْ لَسَجَدَ لِلَّهِ

الْكَرِيمُ يُبْتَهِجُ بِفَضْلِهِ وَاللَّيْمُ يُفْتَخِرُ بِمَلِكِهِ

بزرگوار به بخشش خویش خشنود است و پست به ثروتش افتخار
می کند .

(بحار الأنوار ج ۱۶۱/۷)

دارند کریم را همه محترم
هستند همیشه خلق، گرد حرمش
جایی که فرومایه به مالش نازد
خشنود کند کریم را دل، کرمش



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَوْ مَاتَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا
اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِي

اگر همه‌ی مردم از شرق تا غرب عالم بمیرند با وجود قرآن
در کنار من، هرگز احساس وحشت و تنهایی نکنم.

(بحار الأنوار/ ۸۹/ ۲۳۹)

گر سقف زمانه قیر اندود شود
گیتی چو شبی تیره غم آلود شود
در سایه‌ی آیه‌های نورانی وحی
هر قطره‌ی آرامستان رود شود



قُلْ لَسَجِدٌ لِلَّهِ

مَا اسْتَغْنَىٰ أَحَدٌ بِاللَّهِ إِلَّا أَفْتَقَرَ النَّاسُ إِلَيْهِ

هر که را خدا بی نیاز کند مردم محتاج او می شوند.

(بحار الأنوار ۷۸ / ۱۴۲۶)

آن را که غنی حضرت دادار کند
با ثروت صبحگاه، دیدار کند
دشت دل قحطی زده‌ی انسان را
باران صفت از بهار، سرشار کند



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

هَلَاكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يَرْشِدُهُ

هر کس راهنمای حکیمی نداشته باشد تا او را راهنمایی کند هلاک می شود.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۵۹)

می خواهی اگر چشمه شده، رود شوی
در مدرسه‌ی عمر، نه مردود شوی
بی بهره نباش از حکیمان، ورنه
چون هیزم تر، نسوخته دود شوی



قُلْ لَسْجَدٌ لِلَّهِ

مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعِزِّ اللَّهِ تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ عَلَى الدُّنْيَا حَسْرَاتٍ

هر که دلداری خدا در او اثر نگذارد از حسرت‌های دنیا جانش به لب آید.

(بحار الانوار/۷۳/۹۲/۶۹)

در آن‌که حدیث حق، اثر نگذارد
هر چند شکوفه داده، بر نگذارد
در آتش حسرتی گران، خواهد سوخت
هرگز سر عافیت دگر نگذارد



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الرِّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ أَرْفَعُ دَرَجَاتِ الْيَقِينِ

رضا به قضای ناپسند از بالاترین درجات یقین است .

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۱۶۱۱)

آن را که بلا در آستینش بدهند
یکجا غم آن و رنج اینش بدهند
راضی به قضای حق چو گردد، بی شک
والا گهر بحر یقینش بدهند



قَالَ سَجَدَ لِلَّهِ

خَفِ اللَّهَ تَعَالَى لِقُدْرَتِهِ عَلَيْكَ وَاسْتَخِ مِنَهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ

از خدای تعالی به خاطر قدرتش بر تو بترس و از او به خاطر
نزدیکی اش به تو، شرم کن.

(بحار الأنوار/ ۷۵/ ۱۶۰)

خورشید شو و طریقتی گرم بگیر
مانند نسیم صبحدم، نرم بگیر
ترسی به دل از قدرت حق راه بده
از قرب خدا حالت آزرم بگیر

قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ
مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ

هر که مومن گرسنه‌ای را غذا دهد خداوند او را از میوه‌های بهشت اطعام نماید.

(بحار الأنوار/ ۷۱/ ۳۸۴)

باران شوی و بهار تکثیر کنی
خورشید شوی، سپیده تفسیر کنی
طعم خوشی از باغ بهشت بخشد
گر مؤمن خسته‌ای نمک گیر کنی



قُلْ لَسَجْدٌ لِلَّهِ

مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَاتَتْ عَلَيْهِ مَصَائِبُهَا وَلَمْ يَكْرَهْهَا

آن‌که از دنیا دل بریده است مصیبت‌های آن برایش آسان شده
و دل نگران نمی‌شود.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۱۴۰)

با تیر غم و بلا، نشانش نکند
حیران زمین و آسمانش نکند
آن‌را که دل از تعلقات آزاد است
اندوه جهان، دل نگرانش نکند



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِيَّاكَ وَمَا يُعْتَدِرُ مِنْهُ

کاری مکن که باعث عذرخواهی شود.

(بحار الانوار / ۶۶ / ۴۰۷)

زنهار! قدم به کوره راهی نرنی
دستی به پیاله‌ی تباهی نرنی
با قدرت تدبیر بزن گام درست
تا گام به سوی عذرخواهی نرنی



قَالَ سَجَدَ لِلَّهِ

مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّالِحِ

همدمی با درستکاران انسان را به درستی سوق می دهد.

(الکافی / ۱ / ۲۰)

آنان که چو صبح، همنشینی دارند
در سینه چو خورشید، نگینی دارند
سرچشمه‌ی روشنایی و فیض شوند
آینه‌ی مهر - آفرینی دارند



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا

هر کس بزرگی خود را دریابد دنیا در پیش او کوچک می شود.

(تحف العقول / ۲۷۸)

آن کس که به عزت خود آگاه شود
در ظلمت شب، روشنی ماه شود
دنیا شود از منظر او بی مقدار
چون کوه که در نگاه او کاه شود



قُلْ لَسَجَدَ لِلَّهِ

اتَّقُوا الْكَذِبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فِي كُلِّ
جِدٍّ وَهَزْلِ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ
اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ

از دروغ کوچک و بزرگ، جدی و شوخی پرهیز کن، که بی شک انسان
وقتی در امور کوچک دروغ می گوید بر دروغگویی در امور بزرگ نیز
جرات پیدا می کند.

(بحار الأنوار/ ۷۵/ ۱۶۱)

خاموش کند دروغ، نور دل و جان
پرهیز کن از دروغ- از خرد و کلان-
گر شعله‌ی کوچکی شود دامنگیر
نابود کند تمامی هستی مان!



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

قَلَّتْ طَلَبِ الْحَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى الْحَاضِرُ

درخواست کم از مردم، ثروت آماده است.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۳۶)

می خواهی اگر عزیز باشی همه جا
دنیا نکند به خویش مشغول تو را
با خواهش کم، روزنه‌ی فقر ببند
دروازه‌ی بی نیازی‌ات را بگشا



قُلْ لَسَجَدَ لِلَّهِ

اِيَّاكَ وَمُصَاحِبَةَ الْفَاسِقِ فَإِنَّهُ بَايَعَكَ بِأَخْلَتِهِ أَوْ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ

از معاشرت با فاسق بپرهیز، زیرا او تو را به لقمه‌ای یا کمتر از آن می‌فروشد.

(بحار الأنوار/ ۷۵/ ۱۳۷)

ای دل چو شوی هم‌نفس یار نکو
سرشار شوی ز عطر گفتار نکو
با فاسق اگر دو گام هم‌ساز شوی
دیگر نه میسر است دیدار نکو



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِيَّاكَ وَمُصَاحِبَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَخْذُلُكَ
فِي مَالِهِ أَخْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ

از معاشرت با بخیل پرهیز، زیرا او در نهایت نیازت به وی،
تو را از کمکش محروم می کند.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۳۷)

در قلب کویر، حرف باران نرنی
با سوز عطش، دل به بیابان نرنی
ای دوست! رها کند تو را وقت نیاز
زنهار! که گام با بخیلان نرنی



قُلْ لَسَجَدَ لِلَّهِ

إِيَّاكَ وَمُصَاحَبَةَ الْكُذَّابِ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ
السَّرَابِ يُقَرِّبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَيُبَعِّدُ لَكَ الْقَرِيبَ

از معاشرت با دروغگو پرهیز، زیرا او مانند سراب است که دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور می‌نماید.

(بحار الانوار/ ۷۵/ ۱۳۷)

آینه و پاک باش و روشن چون آب
بر عالم تیره همچو خورشید بتاب
از پنجره‌ی کذب مبین جلوه‌ی صبح
زیرا که سراب است سراب است سراب!



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

آدَابُ الْعُلَمَاءِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ

همنشینی با دانشمندان موجب فزونی خرد است.

(بحار الأنوار/ ۷۵/ ۱۴۱)

در سایه‌ی همنشینی خلق جهان
فرصت مده از دست که درِ ست‌گران
بالتدگی خرد بجوی از گذر
بنشستن در مجلس دانشمندان



قُلْ لَسَجَدَ لِلَّهِ

إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْبَخِيلَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ

خداوند از بخیلی که با اصرار گدایی کند (انتظار بخشش از دیگران داشته باشد) بیزار است.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۴۰)

مانند کویر از آسمان دور نشو
از بخشش بی شمار، رنجور نشو
با بخل، در انتظار باران منشین
این گونه به نزد یار منفور نشو



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَا كَرَمَ إِلَّا بِتَقْوَىٰ

جوانمردی نیست مگر به تقوی.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۴۷)

بشکن تب پُرغُرورِ نامردی را
کن شعله ور آهِ سرد بی دردی را
با روشنی چراغِ تقوی چون صبح
نوری بده سیمای جوانمردی را



قُلْ لَسْجَدٌ لِلَّهِ

مَنْ قَنَعَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ

هر که به روزی که خدا به او داده بسنده کند از ثروتمندترین مردم است.

(تحف العقول/ ۲۸۲)

بی آنکه چو موج، در تلاطم باشی
آسوده فراز خوان هفتم باشی
سرمایه‌ی نقدی ست قناعت، ای دوست!
بشتاب غنی‌ترین مردم باشی

قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَمْ مِنْ مَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ وَ كَمْ مِنْ
مَغْرُورٍ بِحُسْنِ السَّتْرِ عَلَيْهِ وَ كَمْ مِنْ مُسْتَدْرَجٍ
بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ

چه بسیار کسانی که با تعریف دیگران فریب خورده اند و چه بسیار افرادی که از پرده پوشی نیک خدا، مغرور شده اند و چه بسیار افرادی که لطف خدا آنها را سرگرم کرده است.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۶۱)

حُسن سخن کسان، دچارت نکند
در معرض بادها، غبارت نکند
سِتّاری حق، رنگ غرورت نزد
سرگرم، نعیم کردگارت نکند



قُلْ لَسْجَدٌ لِلَّهِ

وَإِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ
إِلَى يَسَارِكَ وَاعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَأَقْبِلْ عُذْرَهُ

اگر کسی در سمت راست تو ایستاد و به تو ناسزا گفت آنگاه به
سمت چپ تو آمد و عذرخواهی نمود عذرخواهی او را بپذیر.

(تحف العقول / ۲۷۹)

عذر گنه گناهکاران بپذیر
تقصیر جماعت پشیمان بپذیر
از سویی اگر به ناسزا آمده اند
از سوی دگر به عذر و غفران، بپذیر



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

عَجَبًا كُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ عَمِلَ لِدَارِ الْفَنَاءِ
وَتَرَكَ دَارَ الْبَقَاءِ

شگفتا! شگفتا! از کسی که برای دنیای فانی کار می‌کند و سرای
جاودانی را ترک می‌کند.

(بحار الأنوار / ۷۰ / ۱۲۷)

عمر من و تو که مثل آب لب جوست
اندر عجبم از آنکه مانده ست به پوست
غافل زسرای جاودانی شده، لیک
از بهر جهان فانی اندر تک و پوست



قُلْ لَسَجِدٌ لِلَّهِ

لَا تَمْتَدِّعْ مِنْ تَرْكِ الْقَبِيحِ وَإِنْ كُنْتَ قَدْ عَرَفْتَ بِهِ

از ترک کردن زشتی، هر چند به آن معروف شده باشی، امتناع
مکن.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۶۱)

کار بد اگرچه سخت دامنگیر است
دوری کن از آن که چون مرض، واگیر است
هر چند به آن عمل تو را بشناسند
اکنون ببر از یاد که فردا دیر است



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يَبْصُرَ مِنَ النَّاسِ مَا
يُحْمَى عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ

همین عیب برای انسان بس که چیزی را در دیگران ببیند که
برای خودش عیب نمی‌داند.

(الکافی ۲ / ۴۶۰)

ای دوست! اگر اهل جهان آینه باشند
در منظر چشمت، دگران آینه باشند
بینی تو در آینه، هر آینه خودت را
آینه شوی، چون همگان آینه باشند



قُلْ لَسَجَدُ لِلَّهِ

فَقَدِّمُوا أَمْرَ اللَّهِ وَطَاعَتَهُ وَطَاعَتَهُ مَنْ أَوْجَبَ
اللَّهُ طَاعَتَهُ بَيْنَ يَدَيْ الْأُمُورِ كُلِّهَا

امر خدا و اطاعت او و اطاعت هر کسی را که او واجب کرده
است را بر همه چیز مقدم بدارید.

(بحار الأنوار/ ۷۵/ ۱۴۸)

می خواهی اگر غبار مطلق نشوی
ناچیز نگردی و معلق نشوی
شرط است بجز خدای، طاعت نکنی
فرمانبر جز او امر حق نشوی



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ

خداوند، دل‌های حزین را دوست دارد.

(الكافی ۲/۹۹)

در محضر کردگار، دل باختنی ست
همراه دل آنچه هست، انداختنی ست
آن دل که برای دوست، حزن آلود است
- شک نیست - برای حضرتش خواستنی ست



قُلْ لَسْجَدًا لِلَّهِ

وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ

نزد خداوند چیزی محبوب تر از درخواست کردن از او نیست.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۴۱)

جز درگه دوست، دست خواهش نبی
در درگه این و آن، نباشد خبری
در نزد خدا قشنگ تر جز این نیست:
درخواست به سوی آستانش ببری



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

تَفَكَّرُوا وَاعْمَلُوا لِمَا خُلِقْتُمْ لَهُ فَإِنَّ
اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا

بیاندیشید و برای آنچه که آفریده شده اید کار کنید، زیرا خداوند شما را بیهوده نیافریده است.

(بحار الأنوار/ ۷۵/ ۱۲۸)

چون نم نم قطره های باران بهار
از صورت عقل، پاک کن گرد و غبار
گام از سر تدبیر بزن در ره عمر
چون نیست حضورت عبث ای دل، هشدار!



قَالَ لَسَجَدَ لِلَّهِ

نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمَوْتَةِ وَالْمَحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةٌ

نگاه دوستانه و محبت آمیز مومن به چهره‌ی برادر مومنش،
عبادت است.

(بحار الأنوار/ ۷۱/ ۲۸۰)

دیدار ز روی مهر، از دینداری است
چون پنجره‌ای به جانب بیداری است
آهنگ زلالی عبادت چون آب
از روشنی نگاه مؤمن جاری است



قَالَ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ الْمُنَافِقَ يَنْهَى وَلَا يَنْتَهَى وَيَأْمُرُ وَلَا
يَأْتِي

منافق، نهی می کند و خود باز نمی ایستد و امر می کند ولی خود آنچه را که امر می کند انجام نمی دهد.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۳۸)

فرمود:- دو رو- شعار پر شور دهد
فرمان به فرامین حق از دور دهد
دوری نکند از آنچه خود نهی کند
عامل نبود به آنچه دستور دهد



قُلْ لَسَجَدَ لِلَّهِ

الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ يَنْزِلْ

دعا، بلاى نازل شده و نازل نشده را دفع مى کند.

(الكافى/٢/٤٦٩)

می خواهی اگر که ذو مراتب گردی
بر وسوسه های نفس، غالب گردی
دست طلب از درگه حق باز مگیر
تا ایمن از آفات و مصائب گردی